

## بررسی علل رمزگردانی و انواع آن در بین دبیران مرد و زن دوزبانه ترکی آذری- فارسی زبان در شهر ارومیه

مژگان حبیبی<sup>۱</sup> (دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)  
محمود الیاسی<sup>۲</sup> (استادیار زبان‌شناسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران، نویسنده مسئول)  
محمدرضا پهلوان نژاد<sup>۳</sup> (دانشیار زبان‌شناسی همگانی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

صص: ۳۹-۵۹

### چکیده

یکی از مسائل قابل توجه در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی و دوزبانگی، پدیده رمزگردانی است. از جوامع بزرگ دوزبانه در ایران می‌توان به جامعه دوزبانه‌های ترکی آذری-فارسی زبان اشاره کرد که وقوع این پدیده در میان بسیاری از آنان امری معمول است. هدف از انجام این پژوهش، بررسی علل عوامل رمزگردانی و انواع آن در میان تعدادی از دبیران دوزبانه ترکی آذری-فارسی زبان در شهر ارومیه می‌باشد. بدین منظور ابتدا داده‌های مرتبط با رمزگردانی این دبیران، از طریق مشاهده مستقیم گردآوری شد. این داده‌ها پس از آوانگاری، مورد تحلیل قرار گرفت. در پژوهش حاضر، از چارچوب نظری بلوم و گامپرز (۱۹۷۲) استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که ۱۹ عامل مختلف در وقوع رمزگردانی در میان این دبیران مؤثر بوده‌اند. همچنین مشخص گردید این دبیران دوزبانه در سه بافت اتاق دفتر، جلسات شورای دبیران، و کلاس‌های ضمن خدمت، در هنگام گفتگو درباره موضوعات آموزشی و غیرآموزشی از هر دو نوع رمزگردانی (استعاری و موقعیتی) استفاده می‌کنند.

**کلید واژه‌ها:** زبان‌شناسی اجتماعی، دوزبانگی، رمزگردانی، زبان ترکی آذری، ارومیه.

## ۱- مقدمه

زبان‌شناسی اجتماعی<sup>۱</sup> یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی است که به‌طورجدی از دهه ۱۹۶۰ مطرح شد. هولمز (۲۰۱۳) می‌گوید: زبان‌شناسان اجتماعی رابطه میان زبان و جامعه را مورد مطالعه قرار می‌دهند. آنان در پی یافتن توجیهاتی برای این مسئله هستند که چرا سخنگویان زبان در بافت‌های اجتماعی مختلف به صورت‌های متفاوتی صحبت می‌کنند» (ص. ۱). چنین مطالعاتی با در نظر گرفتن تعدادی از متغیرهای اجتماعی، جنسیت، طبقه اجتماعی، سن، سطح تحصیلات و غیره سعی در تحلیل زبان مورد استفاده مربوط به گروه‌های اجتماعی دارد (بنی‌شیرکا، ۲۰۰۵؛ به نقل از مسگر خوبی، ۱۳۸۶، ص. ۲۳۱).

یکی از حوزه‌های مهم در زبان‌شناسی اجتماعی، دوزبانگی<sup>۲</sup> است؛ هاکت<sup>۳</sup> (۱۹۵۸، ص. ۸)، دوزبان را فردی می‌داند که عملاً به دو (یا چند) زبان تسلط دارد، اما این تسلط معمولاً کامل و مانند زبان بومی نیست (به نقل از مدرسی، ۱۳۶۸، صص. ۲۹-۲۸).

رمزگردانی<sup>۴</sup> پدیده‌ای است که تحت تأثیر عوامل مختلف در میان افراد دوزبان و یا چندزبان صورت می‌گیرد. ون دالم<sup>۵</sup> (۲۰۰۷، ص. ۱)، رمزگردانی را استفاده سخنگویان از دو یا چند زبان در طول یک پاره‌گفتار و یا جمله می‌داند. از دیدگاه هادسون<sup>۶</sup> (۱۹۸۰، صص. ۶۰-۵۸)، رمزگردانی عبارت از انتخاب از میان رمزهای متفاوت، بر حسب وضعیت بافتی است. هر گویشور، گنجینه‌ای از گونه‌های زبانی و رمزهای متفاوت را در اختیار دارد که با توجه به اهداف خود، مقتضیات کلام، نیازهای شرکت‌کنندگان در کلام و محیط‌های ارتباطی، از بین آنها یکی را به‌تناسب انتخاب و جایگزین دیگری می‌نماید. برخی صاحب‌نظران، رمزگردانی را از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان، به دو نوع رمزگردانی رمزگردانی استعاری و موقعیتی تقسیم کرده‌اند. بلوم و گامپرز<sup>۷</sup> (۱۹۷۲) معتقدند رمزگردانی استعاری استفاده از دو گونه زبانی در موقعیتی واحد است که با تغییر موضوع اتفاق می‌افتد و گوینده برای دستیابی به تأثیری خاص،

1. Sociolinguistics
2. Bilingualism
3. Hockett, C.
4. Code- Switching
5. Van Dulm, O.
6. Hudson, R. A.
7. Blom, J. P. & gumperz, J. J.

زبان را تغییر می‌دهد. به عنوان مثال، ارتباط بین کارمندان یک دفتر اداری با مراجعان مقیم آنجا، هنگام احوال‌پرسی به گویش محلی و هنگام کار به گویش معیار صورت می‌گیرد. رمزگردانی موقعیتی نیز هنگامی رخ می‌دهد که تغییر رمز با توجه به بافت و موقعیت انجام گیرد، مانند الزام‌های اجتماعی و قوانین مدنی؛ گویشوران در چنین وضعیتی یک زبان را در موقعیتی خاص و زبان دیگر را با توجه به الزام‌های اجتماعی، در موقعیتی دیگر به کار می‌برند. آنها همچنین بر این باورند که هرگونه تغییری که در آن با تغییر موقعیت اجتماعی، شکل زبانی نیز تغییر کند، رمزگردانی موقعیتی نام دارد. به عبارت دیگر، در موقعیت اجتماعی مشخص، بعضی از شکل‌های زبانی مناسب‌تر از بقیه‌اند. برای مثال، گونه‌ای از زبان که برای احوال‌پرسی در بین گروهی از مردان در یک کارگاه به کار می‌رود، با گونه‌ای که معلمان برای معرفی یک متن در مدرسه به کار می‌برند، متفاوت است (صص. ۴۲۴-۴۲۱). ورداف<sup>۱</sup> (۱۹۹۲، ص. ۱۰۵) معتقد است در رمزگردانی استعاری، یک رمزگان می‌تواند بیانگر همبستگی و رابطه صمیمانه بین افراد و رمزگان دیگر، بیانگر فاصله اجتماعی میان آنها باشد. ترادگیل<sup>۲</sup> (۲۰۰۰، ص. ۱۹۴) می‌نویسد در رمزگردانی استعاری، عامل اصلی و مهم در تغییر رمزهای زبانی، بافت و یا موقعیت ارتباطی نمی‌باشد بلکه موضوع سخن، نوع رمز را تعیین می‌کند. در این وضعیت گویشور برای سخن‌گفتن در مورد موضوعی خاص، از یک نوع رمز ویژه به جای رمزهای دیگر استفاده می‌کند. بنا به نظر بیکر و گارسیا (۱۹۹۳)<sup>۳</sup>، رمزگردانی به دلایل مختلف از جمله تأکید<sup>۴</sup> بر یک نکته خاص، جایگزینی یک واژه به جای واژه‌ای ناآشنا در زبان آموزش، ارائه موضوعات خاص، فقدان معادل، تقویت درخواست<sup>۵</sup>، شرح یک ویژگی - تکرار<sup>۶</sup>، فاصله اجتماعی<sup>۷</sup>، نقل قول<sup>۸</sup>، هویت مشترک<sup>۹</sup>، حذف افراد از مکالمه<sup>۱۰</sup>، افزودن افراد به مکالمه<sup>۱۱</sup>، تغییر نگرش<sup>۱۲</sup>، تغییر

1. Wardhaugh, R.
2. Trudgill, P.
3. Baker, C. & Ofelia g.
4. Emphasis
5. Reinforcement of Request
6. Clarification of a Point-Repetition
7. Social Distance-Solidarity
8. Quoting
9. Communicating Common Identity
10. Excluding People from a Conversation
11. Including People in a Conversation
12. Change of Attitude

موضوع<sup>۱</sup>، مخاطب قرار دادن فرد<sup>۲</sup>، جلب توجه<sup>۳</sup>، ابراز مخالفت<sup>۴</sup>، طفره رفتن<sup>۵</sup>، و نشان دادن احترام<sup>۶</sup> انجام می‌گیرد (به نقل از زانوا، ۲۰۱۱، صص. ۱۹-۲۹).

در مناطق دوزبانه ترکی آذری- فارسی‌زبان کشور، دبیران دوزبانه پس از اتمام فعالیت‌های آموزشی در دبیرستان، به طور مداوم در گفتار خود، از زبان فارسی به زبان ترکی آذری رمزگردانی می‌کنند. این تحقیق بر آن است تا به این سؤال که در مکالمات دبیران دوزبانه ترکی آذری- فارسی چه نوع رمزگردانی (موقعیتی و یا استعاری) اتفاق می‌افتد، پاسخ دهد، و علل این رمزگردانی را مشخص سازد.

شهر ارومیه مرکز استان آذربایجان غربی است و بخش مرکزی آن شامل نواحی یک و دو می‌باشد که محدوده پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد (شهرداری ارومیه).

زند (۱۳۸۱، ص. ۱۷۶) در توصیف زبان ترکی آذری می‌نویسد زبان ترکی آذری که در منطقه شمال غرب ایران بدان تکلم می‌شود، جزء شاخه اوغوز<sup>۷</sup> خانواده زبان ترکی است که خود به زبان‌های اورال-آلتایی<sup>۸</sup> متعلق می‌باشد. از عمده ویژگی‌های این زبان، پیوندی<sup>۹</sup> بودن نظام واژگانی و وجود همخوان‌ها و واکه‌های خاص در نظام آوایی آن است (به نقل از تقی‌زاده زنوز، ۱۳۹۱، ص. ۱۳).

در شهر ارومیه، زبان‌های ترکی آذری و کردی، زبان‌های اصلی را تشکیل می‌دهند و برخی اقلیت‌های قومی و مذهبی به زبان‌های آشوری، ارمنی و کلیمی تکلم می‌کنند. زبان شفاهی مورد استفاده بیشتر کارمندان دولت و اهالی این شهر در محیط اداری ترکی آذری است، هرچند بر طبق قانون، نامه‌های اداری و رسمی در ادارات، به زبان فارسی نوشته می‌شوند. فارسی، زبان آموزش و زبان مشترک بین این اقوام می‌باشد. در مجموع، می‌توان گفت شهر ارومیه، شهری چندزبانه با فرهنگ‌های گوناگون است که بازتاب برخوردارهای زبانی مختلف را به صورت پدیدیده رایج رمزگردانی در اکثر نقاط این شهر می‌توان مشاهده نمود.

1. Topic Change
2. Addressing Oneself
3. Arousing Attention
4. Expressing Opposition
5. Hedging
6. Showing Respect
7. Oghuz Languages
8. Ural-Altaic
9. Agglutinative

در پژوهش حاضر، دوزبانه به فردی اطلاق می‌شود که در خانواده تک‌زبانه ترکی آذری‌زبان بزرگ شده اما به طور همزمان در معرض زبان فارسی، یعنی زبان رسمی کشور ایران قرار گرفته است. در این تحقیق، پدیده رمزگردانی، صرفاً میان دبیران دو زبانه ترکی آذری-فارسی‌زبان مرد و زن دوره اول و دوم متوسطه، در موقعیت‌های آموزشی خارج از کلاس درس مورد بررسی قرار گرفته است که در آنها به زبان ترکی آذری تکلم می‌شود و فقط زمانی به زبان فارسی رمزگردانی انجام می‌گیرد که مخاطب، کردزبان و یا فارسی‌زبان باشد.

در این بخش، به بررسی اجمالی برخی از پژوهش‌های پیشین در حوزه رمزگردانی زبانی از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان و انواع آن می‌پردازیم. یکی از نخستین پژوهش‌ها در ایالات متحده آمریکا، در رابطه با انتخاب زبان و رمزگردانی، مربوط به بارکر<sup>۱</sup> (۱۹۴۷) است که به توصیف رمزگردانی در میان آمریکایی‌ها-مکزیک‌تبارها در شهر توسان در ایالت آریزونا پرداخته است. وی علاوه بر ارائه تحلیلی از روابط اقتصادی، شبکه‌های اجتماعی و جغرافیای اجتماعی شهروندان توسان، تلاش می‌کند به این سؤال پاسخ دهد که چگونه افراد دوزبانه در یک موقعیت از یک زبان و در موقعیت دیگر از زبانی دیگر استفاده می‌کنند (به نقل از نیلپ<sup>۲</sup> ۲۰۰۶، ص. ۴).

یکی از مهم‌ترین تحقیقات درباره رمزگردانی از دیدگاه اجتماعی، توسط بلوم و گامپرز (۱۹۷۲) صورت گرفته است. آنها بر این باورند که رویدادهای اجتماعی، که زیر عنوان شرکت‌کنندگان<sup>۳</sup>، موقعیت<sup>۴</sup> و موضوع<sup>۵</sup> معرفی می‌شوند، انتخاب متغیرهای زبانی را محدود می‌کنند (ص. ۴۲۱). آنان می‌افزایند در هر موقعیت اجتماعی مشخص، بعضی از اشکال زبانی از دیگر صورت‌ها مناسب‌ترند (ص. ۴۲۴).

رحیمی و جعفری (۲۰۱۱) در یک مطالعه کیفی، به بررسی انواع رمزگردانی و نقش آنها در چهار کلاس یادگیری زبان انگلیسی در سطح متوسط با در نظر گرفتن متغیر جنسیت و اولویت انتخاب زبان توسط دانشجویان پرداختند. تجزیه و تحلیل داده‌ها که از طریق مشاهده مستقیم و

---

1. Barker g.  
2. Nilep, C.  
3. Participants  
4. Setting  
5. Topic

ضبط انجام گرفت، نشان داد که بسامد استفاده از پدیده رمزگردانی در کلاس‌های ای. اف. ال.<sup>۱</sup> و آن هم در هنگام انجام تکالیف بیشتر از سایر لحظات بود، و این امر بدان علت بود که دانش‌آموزان می‌خواستند از صحت تکالیف خود مطمئن شوند و یا آنها را تصحیح نمایند. زمان دیگری که بسامد استفاده از رمزگردانی را بیشتر می‌کرد، مربوط به لحظه یاددهی و یادگیری بود. در این پژوهش، انواع رمزگردانی به سه دسته رمزگردانی برون‌جمله‌ای<sup>۲</sup>، درون‌جمله‌ای<sup>۳</sup>، و عبارتی<sup>۴</sup> تقسیم می‌شدند که رمزگردانی برون‌جمله‌ای در مقایسه با دو دسته دیگر، بیشترین سهم را (۵۸/۳۶٪) در هنگام آموزش واژه‌های جدید و دستور زبان به خود اختصاص داد. به لحاظ نگرشی، دانشجویان به‌طور کلی بر این باور بودند که در کلاس‌های درس، بجز موارد پیچیده مانند موضوعات درسی، نباید از زبان فارسی استفاده کرد (رحیمی و جعفری، ۲۰۱۱، صص. ۲۸-۱۵).

حیدری، سمائی، لطیفی، و روحی (۱۳۹۲)، در یک پژوهش کوشیدند تا دیدگاه معلمان دوره ابتدایی استان اردبیل را نسبت به عوامل و نقش‌های رمزگردانی بررسی کنند. آنان این کار را از طریق مشاهده مستقیم و ضبط کلیه تعاملات کلاسی و به دنبال آن استخراج و واج‌نگاری داده‌های مرتبط با رمزگردانی زبانی به دست آوردند. یافته‌ها حاکی از آن بود که بیشتر معلمان با رمزگردانی زبانی در کلاس درس موافقت و به عقیده آنان، تکرار و ترجمه، مهم‌ترین نقش و عدم آشنایی با معادل فارسی یک مفهوم، کم‌اهمیت‌ترین نقش را در رمزگردانی زبانی دارد؛ همچنین نقش‌های آموزشی و تربیتی رمزگردانی معلمان دوزبانه ترکی آذری-فارسی‌زبان در راستای تحقق اهداف والای نظام آموزش و پرورش است و معلمان از این پدیده برای رفع نیازهای دانش‌آموزان خود استفاده می‌کنند (حیدری و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۰).

عموزاده و ویسی‌حصار (۱۳۹۳) پدیده رمزآمیختگی و رمزگردانی موقعیتی و استعاری را در کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی در شهرستان بوکان مورد مطالعه قرار داده‌اند. تحلیل داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد در پدیده‌های رمزگردانی و رمزآمیختگی، سه عنصر بافت، شناخت، و زبان، با هم ارتباطی تنگاتنگ دارند و براین اساس می‌توان گفت دو پدیده رمزگردانی موقعیتی و

- 
1. EFL
  2. Intersentential
  3. Intrasentential
  4. Tag Switching

استعاری در این کلاس‌ها بر حسب تغییر چارچوب‌های ذهنی رخ می‌دهند. همچنین بررسی‌ها نشان داد بین عوامل و رمزهای معین، ارتباطی معنادار وجود دارد و فعال شدن هر یک از این عوامل، باعث فعال شدن رمزگان مربوط به آن می‌شود.

سادات غیاثیان و رضایی (۱۳۹۳) به بررسی پدیده رمزگردانی در دوزبانه‌های ارمنی - فارسی زبان تهرانی می‌پردازند. این بررسی بر اساس داده‌هایی است که از ۱۰ ساعت مکالمات روزمره آرامنه تهرانی گردآوری شده بود. در بررسی رمزگردانی برون‌جمله‌ای، از دیدگاه بلوم و گامپرز (۱۹۷۲)، و در بررسی رمزگردانی درون‌جمله‌ای از مدل میرز-اسکاتن (۱۹۹۳ و ۲۰۰۲) استفاده شده است. نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که در مکالمات دوزبانه‌های ارمنی - فارسی زبان تهرانی به زبان ارمنی، رمزگردانی از هر دو نوع اتفاق می‌افتد و رمزگردانی درون‌جمله‌ای از دارای بسامد بسیار بالایی است.

شایان ذکر است تاکنون بیشتر پژوهش‌های انجام گرفته، بررسی پدیده رمزگردانی در مکالمات و تعاملات دانش آموزان و یا دانشجویان در داخل کلاس‌های درس صورت گرفته است و این پدیده در تعاملات دبیران و یا مدرسان مورد مطالعه قرار نگرفته است؛ از سوی دیگر، بیشتر تقسیم‌بندی‌های صورت گرفته برای مشخص نمودن انواع رمزگردانی از نوع میان‌جمله‌ای و یا درون‌جمله‌ای می‌باشند. این پژوهش با مطالعه رمزگردانی در تعاملات دبیران و بهره‌گیری از تقسیم‌بندی متفاوت با آنان، سعی در پرکردن خلأهای ذکر شده در پژوهش‌های پیشین را دارد. در این پژوهش، برای تحلیل داده‌ها بر اساس انواع رمزگردانی از چارچوب نظری بلوم و گامپرز (۱۹۷۲) استفاده شده است. همچنین رمزگردانی موقعیتی تحقیق حاضر، دربرگیرنده بافت‌های خارج از کلاس درس که شامل اتاق دفتر، جلسات شورای دبیران، و کلاس‌های ضمن خدمت است و رمزگردانی استعاری شامل تمام موضوعات سخن اعم از موضوعات آموزشی و غیرآموزشی می‌باشد.

## ۲- سؤالات تحقیق

دبیران دوزبانه ترکی آذری - فارسی زبان در شهر ارومیه، از چه نوع رمزگردانی در مکالمات خود استفاده می‌کنند؟ و دلایل رمزگردانی آنان چیست؟

## ۳- روش تحقیق

برای پاسخ به سؤال پژوهش، به مطالعه کیفی گزینش زبان از طریق مشاهده مستقیم رفتار زبانی آزمودنی‌ها (دبیران دوزبانه) و ضبط مکالمات آنان پرداختیم. داده‌ها با حضور در اتاق دفتر مدارس، جلسات شورای دبیران، و کلاس‌های ضمن خدمت آنها گردآوری و سپس آوانگاری شدند و به این ترتیب نقش‌های مختلف و دلایل رمزگردانی و انواع آن مشخص گردید. در ادامه هر کدام از این دلایل به همراه مثال، بررسی می‌شوند.

## ۴- یافته‌های تحقیق

پس از بررسی داده‌ها، یافته‌های زیر به دست آمد. در این قسمت به دلیل حجم زیاد و طولانی بودن متن کامل مکالمات، صرفاً به ذکر بخش‌هایی که دلایل رمزگردانی را نشان می‌دهند، اکتفا می‌کنیم.

## تغییر موضوع سخن

نمونه: بافت، جلسه شورای دبیران؛ تغییر موضوع سخن از آموزشی - انضباطی به غیرآموزشی و سپس مجدداً به آموزشی

در جلسه شورای دبیران، برخی از دبیران درباره موارد انضباطی و پوشش نامناسب بعضی از دانش‌آموزان، با مدیر مدرسه (۴)، صحبت می‌کنند. سپس معاون پرورشی (۲)، درباره کمک به فردی بی‌بضاعت پیامی را نقل قول غیرمستقیم می‌نماید و موضوع سخن را به غیرآموزشی تغییر می‌دهد. پس از وی، مدیر راجع به آماده کردن سؤالات امتحانی برای ترم اول، با دبیران گفتگو می‌کند و موضوع سخن را مجدداً به آموزشی تغییر می‌دهد.

(1) xanom, tyh, baɣlare tsox gojullar ʔeɟijæ bæzæhlære tsox tsoxalip de.  
mantolarin daraldilar. dærs ʔoxumullar.

(خانم، دانش‌آموزان) موهایشان خیلی بیرون می‌ماند، بعد آرایششان خیلی زیاد شده.

مانتوهایشان را تنگ می‌کنند، درس هم که نمی‌خوانند.

(2) bayiɣlajin, mænæ sifarif ʔelæmiɣlær sizæ dijæm, bi næfær  
nijazmænd de zendeɟijæ. mæn fægæt intigal verdim. انتقال کننده  
jæm.

(همکاران محترم، ببخشید به من سفارش کرده بودند، یک نفر نیازمند است به وسایل ضروری زندگی، من فقط انتقال دادم.)

(3) *javaʃ javaʃ da ʔæl tærpædin suʔallara.bizim tæcsirimiz bir jerdæ vurmure. dæsgahlarimiz hænjelir.*

برای سؤالات کم دست تکان دهید. تکثیر ما یک جا نمی زند. دستگاهمان هنگ می کند.)

ابراز مخالفت، نارحتی و اعتراض

نمونه: بافت، اتاق دفتر؛ موضوع سخن، آموزشی

در اتاق دفتر، درباره بخشنامه‌ای که راجع به دوره‌های هزارساعته ضمن خدمت است، گفتگویی میان دبیران انجام می‌گیرد. مکالمه با دبیر کرد زبان (۲)، به زبان فارسی صورت می‌پذیرد. یکی از دبیران ترک‌زبان، با استفاده از رمزگردانی از زبان ترکی به فارسی، کنایه‌ای را به زبان فارسی در انتهای جمله خود به کار می‌برد.

(1) *hæmcarlar, min saʔat dær jælip ha, baxdiz? min saʔat de.*

(همکاران، دوره هزارساعته آمده. نگاه کردید؟ هزار ساعت است.)

(۲) من بردم مال ۹۴ رو از من گرفتند.

(3) *mæn ʔæslæn ʔiʃim ʔolmaz. hæR ʔil ja 85 ʔolar, ja 86. ʔelæ ʔimzalaram ʔærzeʃ jabine. واقعاً jæne næmænæ? ʔalannar* چه گلی بر سرشان زده‌اند؟

(من اصلاً کاری به آن ندارم. هر سال ارزشیابی من یا ۸۵ می‌شود و یا ۸۶. منم همین طوری امضا می‌کنم. واقعاً چه معنی دارد؟ آنهایی که امتیاز بالا گرفتند، چه گلی بر سرشان زده‌اند؟)

(4) *ʔaxe fajdase ʔola ha, baʃimnan jedæræm, doreie felan nan mænæ næ?*

(آخه اگر فایده‌ای داشته باشد، میرم. از دوره فلانی به من چه مربوط؟)

(5) *ʔogædær dæ golombæ solombædilræ tʃe ʔadamin bejninae jætmir.*

(آن قدر هم قلمبه سلمبه هستند که به ذهن آدم فرو نمی‌روند.)

## ارائه موضوع معین

نمونه: بافت اتاق دفتر؛ موضوع سخن، آموزشی

در اتاق دفتر، معاون آموزشی (۱) و دبیر ریاضی (۲)، و سایر دبیران راجع به مشکل بودن امتحان پایان ترم درس ریاضی پایه نهم، با یکدیگر صحبت می‌کنند. آنها از زبان فارسی به ترکی تغییر رمز می‌دهند.

(1) bilisæn, jØrdun da, næ ʔistixdam var, næ bi feʒ. ʔØtur.

(می‌دانی، دیدی که نه استخدایم هست و نه چیزی، ول کن.)

(2) bire bizim pezeʃclærimiz, ʔæfsordeʒi tutuplar!

(یکی همین پزشک‌های ما، همه افسردگی گرفته‌اند!)

(3) tsox tsætɪn suallar vermiʃlær?

(خیلی سؤالات سختی داده بودند؟)

## شرح ویژگی

نمونه: بافت، اتاق دفتر؛ موضوع سخن، غیر آموزشی

موضوع گفتگو، توصیف ویژگی‌های رفتاری مثبت یکی از دبیران در اتاق دفتر است که بدین منظور، از زبان فارسی به ترکی تغییر رمز می‌دهند و فقط در هنگام صحبت کردن با دبیر کرد زبان (۱)، به زبان فارسی رمزگردانی می‌کنند. در گفتار دبیر شماره (۴)، تأیید هم وجود دارد.

(۱) خانم پایداری نیومده؟

(۲) نه.

(3) tsox tælafʒr mælim de با انگیزه، باگذشت، hæja vallah.

(خیلی معلم تلاشگر، با انگیزه و باگذشتی است. آره به خدا.)

(4) tsox zæhmæt tsætʃir.

(خیلی زحمت می‌کشد.)

## نقل قول

نمونه: بافت، اتاق دفتر؛ موضوع سخن، غیر آموزشی

در اتاق دفتر، دبیر شیمی (۱)، از اینکه یکی از دانش‌آموزانش درباره او بیش از اندازه نگران است، ابراز ناراحتی می‌نماید. او نقل قول‌ها را به زبان ترکی آذری بیان می‌کند.

(1) **baba bi hæftæ de bu jedip jælir buraja, dijir “sæn ʔallah ʔevdæn ʔefijæ tsixmajin, mæn pis juxe jØrmufam sænin moredin dæ. jØrxuram sænæ bi fej ʔola”.**

(بابا یک هفته‌ای هست که این (دانش‌آموز) هی میره و میاد و میگه تو را به خدا از خانه

بیرون نیاید، من خواب بدی برای شما دیده‌ام. درمورد شما می‌ترسم که اتفاقی برایتان بیفتد.)

(1) **jah dijir “majin vurar, jah dijir filan fej ʔolar”, baba ʔatan ʔanan ræhmæt dæ, ʔæl tsæh jed. ʔistæmiræm ce mæne ʔistijæsæn!**

(گاهی می‌گوید ماشین شما را می‌زند، گاهی می‌گوید فلان اتاق می‌افتد، بابا خدا پدر و

مادرت را رحمت کند، دست بردار و برو پی کارت، دوست ندارم مرا دوست داشته باشی!)

#### درخواست

بافت، اتاق دفتر؛ موضوع سخن، آموزشی

در اتاق دفتر، معاون مدرسه (۱)، که در حال بازنشسته شدن می‌باشد، درباره اینکه چگونه

می‌تواند زبان انگلیسی را به حالت مکالمه‌ای یاد بگیرد، از دبیر زبان انگلیسی درخواست

راهنمایی می‌کند. آنها از زبان فارسی به ترکی آذری تغییر زبان می‌دهند.

(1) **bayifla muzahim ʔoluram! nærm ʔæfzar zad var ʔinde, næzærijzæ sælah de ʔinde?**

(ببخشید مزاحم می‌شوم. نرم افزارهایی هم هست، به نظرتان (استفاده از) آنها مصلحت

هستند؟)

(2) **speaking? bu hæd dæ, danifmax, tsox ʔistisiz?**

(speaking)؟ (در این حد، حرف زدن را خیلی دوست دارید؟)

#### بیان عقاید و نظرات

نمونه: بافت، اتاق دفتر؛ موضوع سخن، آموزشی

در این گفتگو، دبیر تربیت‌بدنی (۱)، برای مسابقه طناب‌کشی، درباره وضعیت و قدرت

جسمانی دانش‌آموزان از دبیران حاضر در اتاق دفتر، نظرسنجی می‌کند. آنها از زبان ترکی آذری

برای بیان نظرات خود استفاده می‌کنند.

(1) **næzærijzæ, sæmsami xØfde ja xæzajj?**

(به نظر شما صمصامی خوب است یا خزایی؟)

(2) **jænæ sæmsami xofde .**

(باز صمصامی بهتر است.)

## تسهیل امر ارتباطی

نمونه: بافت جلسه شورای دبیران؛ موضوع سخن، آموزشی و انضباطی

در جلسه شورای دبیران، مدیر (۱)، پس از مطرح کردن این مسئله که می‌خواهد به زبان ترکی آذری صحبت کند، موارد اخلاقی و سپس آموزشی را به دبیران منتقل می‌نماید. با وجود حضور دبیران غیرترکی آذری‌زبان، مدیر و سایر همکاران از زبان ترکی آذری استفاده می‌کنند، زیرا تعداد آنها کم بوده و می‌توانند زبان ترکی آذری را درک نمایند. گاهی اوقات مدیر به دبیر کردزبان (۲) و دبیر مسیحی (۳) به زبان فارسی و گاهی به ترکی آذری پاسخ می‌دهد.

(1) **tyrtfi danifirama. hasad de. ʔejne sevome ʔensani buralarina ʔolar dan taxiplar. ʔØrmax hæmin, jollajin aʔayija, mæn naʔæhani ʔØrdum.**

(ترکی حرف می‌زنم. آسان است. تمام سوم‌های انسانی به این قسمت‌های صورتشان اشاره گونه و بینی) از آنها (ستاره‌های تزینی) چسبانده‌اند. اگر دیدید، بلافاصله پایین بفرستید، من هم اتفاقی دیدم.)

(۲) سوم‌ها؟

(۱) آره، نشان دادند بچه‌ها.

(۳) ببین چکارها می‌کنند!

(1) **dedim xanom ʔodzur vormajinan ce. ʔæte bi dænæ mæn jecæsin vurum ʔannijan.**

(گفتم خانم آن طوری که نه. بیاور یکی من بزرگترش را به پیشانیت بزنم.)

## مشکلات خانوادگی

بافت، اتاق دفتر؛ موضوع سخن، غیرآموزشی

در این گفتگوی کوتاه، دو دبیر ترکی آذری‌زبان در اتاق دفتر راجع به مشکل نگهداری فرزند یکی از آنان، از زبان فارسی به ترکی آذری رمزگردانی می‌کنند.

(1) **vallah xanom fæhnazi dijisiz ʔayamiz comæjimiz de, ʔayamiz mælim de, uʔayim dØrt jaʔ jarim de, beʔ jaʔa ʔetsip de, mæsælæn bi dænæ mamam de da mænim, næ ʔo saxlija bilir, ne ʔonsuz tsixa biliræm ʔefijæ, bi jeræ gojamiram, mæsælæn mamam godzalip, hæjæ.**

(والله خانم شهنازی شما می‌گویید آقائون کمک دستتان است. آقایان معلم است، پسر

چهار سال و نیمش است، وارد پنج سالگی شده، مثلاً تنها، مادرم مانده، که نه می‌تواند

(بچه‌ام) را نگه دارد، و نه بدون او (بچه‌ام) می‌توانم بیرون روم. جایی هم نمی‌توانم او را بگذارم، مثلاً، مادرم هم پیر شده است، آره.)

(2) tæc ʔælle ʔellijæmæsæn, tsætɪn de. jæte mæn saxlijim.

(اگر تنها باشید که سخت است، بیاورید تا من نگه دارم.)

#### فقدان معادل در زبان فارسی

نمونه: بافت، اتاق دفتر؛ موضوع سخن، آموزشی

گاهی علت رمزگردانی دبیران از زبان فارسی به ترکی آذری در اتاق دفتر، عدم وجود معادل فارسی برای برخی از واژه‌ها، عبارت و یا جملات می‌باشد. یکی از دبیران، قصد جابه‌جایی مراقبت خود را دارد. دبیر شماره (۱) برنامه‌اش را آورده تا بتواند به حل مشکل همکارش کمک بکند.

(1) mæn bærnəmæme jætɪmɪfam ha. bujrun.

(من برنامه‌ام را آورده‌ام. بفرمایید.)

(2) gadase hæɪ ʔolde. hæɪ ʔelædix ʔajre hæmcarɪnan.

(معادل فارسی ندارد. با همکار دیگری حل کردیم.)

ضرب المثل، کنایه و اصطلاحات رایج در زبان ترکی آذری

نمونه: ضرب المثل، بافت، اتاق دفتر؛ موضوع سخن، غیر آموزشی

در اتاق دفتر، دبیران ترکی آذری زبان درباره خبر جدید شرایط استخدام جدید فرهنگیان، با شوخی با یکدیگر به زبان ترکی آذری صحبت می‌کنند. یکی از آنها که این خبر را خود به‌طور مستقیم از اخبار شنیده است، به این دلیل که اخبار به زبان فارسی پخش می‌شود، مابین کلامش از واژه‌های فارسی استفاده می‌کند و رمزگردانی درون‌جمله‌ای انجام می‌دهد. در این قطعه از مکالمات، از ضرب‌المثل ترکی آذری و همچنین از مزاح استفاده شده است.

(1) hæɪæ ʔone ʔeʃiddɪn? mælɪmnærɪn ʔistɪxdam ʔelɪjændæ? mæn ʔØzum ʔeʃɪdɪm. næ چاق næ ʔolsun. ʔolsun, مانکن ʔolsun, خوش قیافه

ʔolsun. برای همین در تلگرام هم می‌گن گن مخصوص فرهنگیان رسید! (با خنده). ʔolsun.

(راستی این را شنیدید؟ وقتی می‌خواهند معلم‌ها را استخدام کنند؟ من خودم شنیدم. اخبار گفت (معلم‌ها) خوش‌قیافه باشند، قدبلند باشند، مانکن باشند. می‌گویند نه چاق و نه لاغر باشند. برای همین در تلگرام هم می‌گن گن مخصوص فرهنگیان رسید!)

(2) **pæs mæn mod ʔoldum. saxla samane jælær zamane.**

(پس من مد شدم! (معادل، هر چیزی را برای وقتی که زمانش از راه برسد، نگه دار.))

تعاملات غیررسمی و برقراری رابطه صمیمی (با مدیر مدرسه)

نمونه: بافت، اتاق دفتر؛ موضوع سخن، غیرآموزشی

در مدرسه، جشنواره غذا برگزار شده‌است. دبیران ترکی آذری‌زبان در رابطه با اینکه آیا از غذاها به آنها نیز داده می‌شود یا نه، با شوخی سؤالاتی از مدیر (۲)، به زبان ترکی آذری می‌پرسند و سعی در برقراری رابطه صمیمی با او را دارند.

(1) **sælam. bizim naftolumuz hazir dojlə?**

(سلام. ناشتایی ما حاضر نیست؟) (با خنده و شوخی)

(2) **yf jyn nyğa gæza amade de.**

(غذا برای مدت سه روز آماده است.)

انتقال بهتر پیام و شفاف کردن موضوع سخن

نمونه: بافت، اتاق دفتر؛ موضوع سخن، آموزشی

در روزهای پایانی مدرسه، دبیران درمورد برنامه مراقبت و امکان جابه‌جایی برنامه‌هایشان، با یکدیگر صحبت می‌کنند و از زبان فارسی به ترکی آذری تغییر رمز می‌دهند.

(1) **mæn rijazi dæ dæ varam ha.**

(من در (امتحان) ریاضی هم هستم.)

(2) **mæn ʔelæ rijazine dijirdim. siz burda? sız burda?**

(من هم ریاضی را می‌گفتم. شما بیست و چهار (ساعته) هستید در اینجا؟)

(1) **bæ. mæn jyn dæ varam. jænæ bu bænamæ siz dæ galsin.**

(بله. من هر روز هستم. این برنامه پیش شما بماند.)

## جالب جلوه دادن موضوع سخن (خاطره)

بافت، اتاق دفتر؛ موضوع سخن، غیر آموزشی

در اتاق دفتر، یکی از دبیران با لحنی صمیمانه با سایر همکاران خود و با استفاده از حرکات بدنی در تقلید از دبیر هندسه خود، صحبت می‌کند و چون در داخل کلاس درس، دبیران با استفاده از زبان فارسی، آموزش می‌دهند، در بیان نقل قول‌های مستقیم، از زبان ترکی آذری به زبان فارسی تغییر رمز می‌دهد و به منظور جالب نشان دادن بخش‌های دیگر کلام خود، از زبان ترکی آذری استفاده می‌کند.

(1) *ʔo ʔaɣaje elmi hendesæ mælimmizijde. garne jecæjde. tæxtæ baɣında hæmmæsa belæ durarde, dijærde.*

بچه‌ها، امروز درسمان دایره است. (با لهجه ترکی آذری)

(آقای علمی، معلم هندسه ما بود. شکمش هم گنده بود. پای تخته همیشه این طوری می‌ایستاد (تقلید)، و با لهجه ترکی می‌گفت بچه‌ها، امروز درسمان دایره است.

*bi dænæ dæ fere tsox ʔistær de, ʔono ʔoxijan da, biz dijærdix dærs gotulde,*

بلبلی برگ گلی در منقار داشت.

(یک شعری را هم خیلی دوست داشت، وقتی شروع به خواندن آن می‌کرد، ما می‌گفتیم که

درس تمام شد، بلبلی برگ گلی در منقار داشت.)

## خطاب کردن

نمونه: بافت، اتاق دفتر؛ موضوع سخن، آموزشی

در اتاق دفتر معاونان آموزشی دوره اول متوسطه در حال تقسیم کار و آماده شدن برای امتحانات ترم آخر هستند. معاون اول (۱)، که تجربه و سابقه کاریش از معاون دوم (۲)، بیشتر است، او را مورد خطاب قرار داده و کارهای مربوط به معاون دوم را یادآوری می‌کند.

(1) *najebi dzan, fumarælære bujun jaz, gutar ha.*

(نایبی جان، امروز شماره‌ها را بنویس و تمام کن‌ها.)

## تأیید

نمونه: بافت اتاق دفتر؛ موضوع سخن، غیر آموزشی

یکی از دانش‌آموزان قرار است هدیه روز معلم را از قبل از ۱۲ اردیبهشت به دبیرانش در اتاق دفتر تقدیم کند. قبل از ورود او دبیر تاریخ (۱)، از او و خانواده اش تعریف می‌کند و دبیر دیگر تأیید می‌نماید. آنها از زبان فارسی به ترکی آذری رمزگردانی می‌کنند.

(1) bularin ʔevın dæ bi næzm var, gardaʃlar, ʔælinlar, mæn ce ɡirdim ʔevæ, ʔelædim. احساس عجیب

(در منزل اینها یک نظمی برقرار است، برادرها، عروس‌ها، من وقتی که به خانه آنها رفتم، احساس عجیبی بهم دست داد.)

(2) hæjæ, ʔolar واقعا (آره، آنها واقعا!)

## تأکید

نمونه: بافت اتاق دفتر؛ موضوع سخن، آموزشی

در اتاق دفتر معاون مدرسه (۱)، به دلیل بیان علت غیبت یکی از دانش‌آموزان، ولی او (۲) را احضار نموده است. ولی دانش‌آموز نیز در حال موجه نمودن غیبت فرزند خود می‌باشند و با معاون و یکی از دبیران (۳)، در حال گفتگو است. معاون در آخر کلام خود، به ولی دانش‌آموز تأکید می‌کند که علت غیبت فرزندش را از این به بعد به دفتر مدرسه خبر دهد. کلیه مکالمات در اتاق دفتر، به زبان ترکی آذری انجام می‌گیرد.

(1) ʃajid ʔo zaman ce ʔistijæ ɡajib ʔola, dijær dærsim jox de.

(هر وقت دانش‌آموز بخواهد، غایب شود، می‌گوید درس ندارم.)

(2) bilisiz, ʔev dæ ʔalip, xæbærim var, sØz ʔizlætmæz.

(می‌دانید، از اینکه در خانه مانده است، خبر دارم. حرفی را از من قایم نمی‌کند.)

(3) ʔinʃallah hæmmæʃæ ʔodzur ʔolar.

(انشاءالله همیشه همین طور باشد.)

(1) ʔiʃcale joxde. ʔama bizæ xæbær verin da hætmæn.

(اشکالی ندارد. اما حتماً خبر بدهید دیگه.)

## معرفی و آشنایی

بافت، اتاق دفتر؛ موضوع سخن، غیر آموزشی

یکی از دبیران، روز تدریس خود را با دبیر دیگری عوض کرده است. آنها برای اولین بار است که با همدیگر در روزهای پایانی مدرسه، آشنا می‌شوند و در اتاق دفتر، به زبان ترکی آذری تغییر رمز می‌دهند.

(1) siz də hamcarsis?

(شما هم همکاری؟)

(2) mæn, rijazi. mæhmydjæm. (من، ریاضی. محمودی هستم.)

(1) mæn də ʔælævijæm. burda ʔamadeji dijæm.

(من هم علوی هستم. در اینجا آمادگی (دفاعی) تدریس می‌کنم.)

تفہیم بہتر مطالب و شفاف کردن موضوع

نمونه: بافت، کلاس ضمن خدمت؛ موضوع سخن، آموزشی

در این جلسه، نماینده‌ای از شهر تهران جهت برگزاری جلسه مشاوره درباره تألیف کتاب‌های جدید زبان انگلیسی دوره دوم متوسطه به همراه ۱۵ تن از دبیران رشته زبان انگلیسی، گرد آمده‌اند. سخنران (نماینده) خود خانمی فارسی‌زبان (۱) است. سایر دبیران حاضر در جلسه ترک، کرد، و ارمنی‌زبان می‌باشند. از آنجایی که جلسه رسمی است و حالت آموزشی دارد و مطالب در حالت آموزشی به زبان فارسی بهتر درک می‌شوند، و به دلیل رعایت وحدت زبانی، همگی به زبان فارسی رمزگردانی انجام می‌دهند.

(۱) من ایمیل را میدم خدمت شما. اگر شما به موارد دیگری به غیر از دستور جلسه‌ای که

موضوع امروز است که فکر می‌کنید حتماً لازم است به اطلاع ما برسانید.

(۲) خوب با توجه به اینکه ما چون بیشتر در سطح مدارس کار کرده‌ایم، می‌دانیم که

تجاربمان در قسمت reading بیشتر است. می‌دانیم مشکلات بچه‌ها چیست؟

(۳) کتاب task که کل معلمان داوطلب آن را نوشته‌اند، می‌توانیم از آنها هم استفاده کنیم.

بعضی کتاب‌ها، تلفظ فارسی کلمات انگلیسی را نوشته‌اند که می‌توانند دانش‌آموزان از روی آنها تلفظ‌ها را یاد بگیرند.

### احترام

نمونه: بافت، اتاق دفتر؛ موضوع سخن، آموزشی- اخلاقی

در اتاق دفتر، یک دبیر ترکی آذری‌زبان و کردزبان (۲)، نظرات خود را درباره نحوه پوشش و رفتار دبیران و دانش‌آموزان بیان می‌کنند. دبیر ترک آذری‌زبان به دلیل این که مخاطب وی نمی‌تواند به زبان ترکی آذری سخن بگوید و همچنین به دلیل احترام گذاشتن به او، از زبان ترکی آذری به زبان فارسی رمزگردانی می‌کند.

(۱) در شأن یک معلم نیست که بگوید فلانی مقنعه خودش را آنقدر عقب کشید، من هم بکشم.

(۲) اما از یک سری زوایا باید به شاگرد نزدیک بشی.

(۱) من اصلاً معتقد به این نیستم.

(۲) از این لحاظ اصلاً این رفتارها خوب نیست.

### ۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

رمزگردانی به عنوان رفتار زبانی قابل‌ملاحظه بین دو و یا چندزبانانها بوده و جزء توانمندی‌های آنان محسوب می‌گردد. با توجه به اهمیت پدیده رمزگردانی در میان دوزبانانها، پژوهش حاضر قصد دارد انواع رمزگردانی و دلایل آن را در مکالمات دبیران دوزبانان در محیط‌های آموزشی خارج از کلاس مشخص نماید.

یافته‌های عمده پژوهش حاضر را پس از بررسی داده‌ها، به‌طور خلاصه می‌توان به صورت زیر بیان نمود:

الف- مکالمات دبیران دوزبانان، به هر دو نوع رمزگردانی (موقعیتی و استعاری)، گرایش دارد.

ب- در بررسی یافته‌ها، ۱۹ دلیل برای رمزگردانی دبیران دو زبانان ترکی آذری-فارسی‌زبان مشخص گردید که به شرح زیر می‌باشند:

- ۱- تغییر موضوع سخن، ۲- ابراز مخالفت، ناراحتی و اعتراض، ۳- ارائه موضوع معین، ۴- شرح ویژگی، ۵- نقل قول، ۶- درخواست، ۷- بیان عقاید و نظرات، ۸- تسهیل امر ارتباطی، ۹- مشکلات خانوادگی، ۱۰- فقدان معادل در زبان فارسی، ۱۱- ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌ها و اصطلاحات رایج در زبان ترکی آذری، ۱۲- تعاملات غیررسمی و برقراری رابطه صمیمی، ۱۳-

انتقال بهتر پیام و شفاف کردن موضوع، ۱۴- جالب جلوه دادن موضوع سخن، ۱۵- خطاب کردن، ۱۶- تأیید، ۱۷- تأکید، ۱۸- معرفی و آشنایی، ۱۹- احترام.

شایان ذکر است این یافته‌ها با یافته‌های بارکر (۱۹۴۷)، از این جهت که دوزبانه‌ها در یک موقعیت، از یک زبان و در موقعیت دیگر، از زبانی دیگر استفاده می‌کنند، و نیز با مطالعات بلوم و گامپرز (۱۹۷۲)، در اینکه در موقعیت اجتماعی (بافت) مشخص، بعضی از شکل‌های زبانی مناسب‌تر از بقیه‌اند، همسو می‌باشد، زیرا دبیران دوزبانه نیز با توجه به موقعیت‌های مطرح در این مطالعه، تغییر رمز می‌دادند. در موقعیت‌های رسمی و آموزشی برای درک و تفهیم مطالب آموزشی، از زبان ترکی آذری به زبان فارسی رمزگردانی می‌کردند اما در موقعیت‌هایی مانند جلسه شورای دبیران و اتاق دفتر بنا به دلایلی که در بالا ذکر شد، از زبان فارسی به ترکی تغییر رمز می‌دادند. البته مواردی همچون نقل قول مستقیم از زبان معلم یکی از دبیران در خاطره‌گوئی نیز وجود داشت که از زبان فارسی استفاده می‌شد اما تعداد دبیرانی که نقل قول‌ها را به زبان ترکی آذری رمزگردانی و بیان می‌کردند، زیاد بود. نتایج این پژوهش همچنین با تقسیم‌بندی مورد استفاده عموزاده و دیگران (۱۳۹۳)، همسو می‌باشد. آنها نشان دادند که چارچوب‌های ذهنی در رمزگردانی موقعیتی، بافت و الزامات اجتماعی را منعکس می‌کنند و در رمزگردانی استعاری، بیانگر محتوا و موضوعات مورد بحث‌اند؛ چنانچه در مطالعه حاضر نیز، بافت، منعکس‌کننده الزامات اجتماعی و تعیین‌کننده زبان مورد استفاده و رمزگردانی استعاری، بیانگر موضوعات آموزشی و غیرآموزشی مختلف بود و دبیران در همه موضوعات و بافتها، به جز بافت کلاس‌ها و جلسات شورای دبیران، از زبان فارسی به ترکی آذری تغییر رمز می‌دادند. چنان که در بخش مبانی نظری نیز توضیح داده شد، بیکر و گارسیا (۱۹۹۳)، برای رمزگردانی، ۱۳ دلیل ذکر کرده‌اند که بیشتر این دلایل با دلایل به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر، همخوانی دارند و همسو می‌باشند.

نتایج این مطالعه، می‌تواند مورد مطالعه سایر مشاغل در مناطق دو و یا چندزبانه کشور قرار گیرد تا آنها نیز همچون دبیران، در حفظ زبان مادری خویش کوشا باشند، چراکه زبان مادری هر فرد، نشانگر هویت و بازتاب فرهنگی اوست. همچنین بنا به عقیده گاردنر (۲۰۰۹، ص. ۴)، مطالعه درباره اینکه چرا و چگونه افراد رمزگردانی می‌کنند، به شناخت بیشتر ما از سایر جنبه‌های زبان و گفتار کمک می‌کند و بدین ترتیب می‌تواند راهگشای مطالعات آینده درباره

این پدیده در سایر جوامع باشد. در همین راستا، پیشنهادات زیر می‌تواند برای علاقمندان در این زمینه، مفید واقع شود:

۱- سایر محیط‌های دو و یا چندزبانه آموزشی و پژوهشی در میزان استفاده از رمزگردانی بررسی شود.

۲- سایر ویژگی‌های توصیفی مانند نوع فرهنگ، هویت، زبان، لهجه و غیره و تأثیر آنها در میزان استفاده به منظور مشخص شدن نوع ارتباط آنها بررسی شود.

#### کتابنامه

۱. بنی‌شیرکا، هلنا. (۲۰۰۵). *گزینش زبان و رمزگردانی در جامعه آذری تهران*. مترجم، مریم مسگرخویی (۱۳۸۶)، مجله گویش‌شناسی، ۶، ۲۴۰-۲۳۱.
۲. تقی‌زاده زنوز، ربابه. (۱۳۹۱). *بررسی مقایسه‌ای ظرفیت فعل در زبان فارسی و ترکی آذربایجانی بر مبنای دستور وابستگی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، دانشکده تاریخ، ادبیات و زبان‌های خارجی.
۳. حیدری، ابوالحسن. سمائی، مهدی. عطاری، لطیف. روحی، افسر. (۱۳۹۲). *دلایل رمزگردانی زبانی معلمان در کلاس‌های ابتدایی مناطق دوزبانه ترکی آذری-فارسی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۴۷، ۱۱۱-۱۱۰.*
۴. سادات غیثیان، مریم. رضائی، حکیمه. (۱۳۹۳). *بررسی پدیده رمزگردانی با نگاهی به گفتار دوزبانه‌های ارمنی-فارسی تهرانی*، مجله *زبان و زبان‌شناسی*، ۱۰، ۲۰.
۵. شهرداری ارومیه. (۱۳۹۴). *اطلاعات جغرافیایی: ارومیه، سرزمین زیباییها*. بازیابی شده در شهریور ۱۳۹۵ از <http://urmia.ir/> اطلاعات-جغرافیایی
۶. عموزاده، محمد. ویسی‌حصار، رحمن. (۱۳۹۳). *رمزگردانی و رمزآمیختگی (مطالعه موردی کلاسهای آموزش زبان انگلیسی در شهرستان بوکان)*، فصلنامه علمی-پژوهشی *زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء*، ۶، ۱۲.
۷. مدرسی، یحیی. (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

8. Baker, C. & Ofelia, g. (1993). *Foundations of Bilingual Education and Bilingualism*. (2<sup>nd</sup>. ed.). Clevedon: Multilingual Matters.
9. Blom, J. P. & gumperz, J. J. (1972). Social meaning in linguistics structure: Code- switching in Norway. In J. J. gumperz & Hymes, D. (eds.): *Directions in*

10. Holmes, J. (2013). *An introduction to sociolinguistics*. England: Pearson Educated Limited.
11. Hudson, R. A. (1980). *Sociolinguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
12. Nilep, C. (2006). *Code-switching in sociocultural linguistics*. Colorado research in linguistics. vol. 19. Boulder: University of Colorado.
13. Rahimi, A. & Jafari, Z. (2011). Iranian students' attitudes towards the facilitative and debilitating role of code-switching: Types and moments of code-switching at EFL classroom. *The Buckingham Journal of Language & Linguistics*. 4, 15-28.
14. Blom, J. P. & Gumperz, J. J. (1972). *Social meaning in linguistics structure: Code-switching in Norway*. In J. J. Gumperz & Hymes, D. (eds.): *Directions in sociolinguistics: The ethnography of communication*. New York: Holt, Rinehart and Winston, 407- 434.
15. Trudgill, P. (2000). *Sociolinguistics: An introduction to language and society*. (5th ed.). London: Penguin Books.
16. Van Dulm, O. (2007). *The grammar of English-Afrikaans code-switching: A feature checking account*. Utrecht: LOT.
17. Wardhaugh, R. (1992). *An introduction to sociolinguistics*. (2nd ed.). Oxford: Blackwell.
18. Zanova, S. (2011). *Code-switching as a communicative strategy in bilingual children*, Bachelor's Diploma thesis, Department of English and American Studing/ Masaryle University Faculty of Arts. English language and literature.